

مصدق: آزادی مطبوعات

(۲)

برگرفته از صفحه های ۲۱۹ تا ۲۲۳ کتاب « معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق » از آقای محمد جعفری قنواتی.

در این سند نشانه های (۱) توجه و علاقه ویژه مصدق به اهمیت نقش مطبوعات در ایران و جهان (۲) برقراری رابطه با مردم ایران و جهان به عنوان حربه پیشبرد هدف های ملی (۳) ساده سخن گفتن، محکم و صریح سخن گفتن دکتر محمد مصدق را با مردم از طریق مطبوعات نیز در این سند به وضوح می بینیم. پافشاری مصدق بزرگ در رابطه با حاکمیت ملی (استقلال) ایران از نکات دیگری است که در تمام گفته ها و نوشته های وی مشهود است.

نخستین گفتگوی مطبوعاتی مصدق

با خبرنگاران داخلی و خارجی

در این اوقات از طرف آقایان مخبرین جراید خارجی مکرر از این جانب سؤالاتی راجع به نفت و اوضاع عمومی مملکت می شد. بسیار میل داشتم جواب سؤالات آقایان را جزء به جزء بدهم، ولی از طرفی اشتغال مستمر به کارهای مملکتی و از طرف دیگر به واسطه شباهت تامی که بین سؤالات بود به این فکر افتادم که جواب همه آقایان را یک جا در ضمن بیانیه ای به عرض برسانم. ولی چون دیدم تا آقایان مخبرین جراید به اوضاع داخلی مخصوصاً فقر و بیچارگی بی نهایت مردم واقف نشوند درست پی به عرایض من نخواهند برد از آقایان خواهش کردم قبلاً بروند و به رأی العین وضع زندگانی محنت بار مردم این کشور را مشاهده کنند سپس مصاحبه به عمل آید.

آقایان محترم آنچه را در روز دوشنبه ملاحظه فرمودید نمونه ای از زندگانی اکثریت مردم این مملکت است بلکه می توانم عرض کنم که زندگانی مردم ولایات غالباً از این هم ناگوارتر و رقت بارتر است؛ مردمی که نمونه ای از آنها را مشاهده کردید صاحب گنج نهفته ای هستند که ماری بر سر آن خفته و آنها را از استفاده از ذخایر سرشار آن محروم ساخته است؛ مردمی که قوت لایموت و ستر عورت ندارند دارای ثروت بی پایانی هستند که صرف عیش و نوش بیگانگان می شود و خود آنها با فقر و بیماری و جهل دست به گریبان و در دریای مذلت و خواری غوطه ورنند. این وضع قابل دوام نیست؛ زیرا صبر و بردباری هم حدی دارد و روزی که پیمانۀ صبر این مردم بدبخت پرشود تنها خدا می داند که شرق میانه و بالتیجه دنیا به چه وضع هولناکی دچار خواهد شد.

پس از این مقدمه به جواب سؤالات آقایان که دنباله طبیعی همین مقدمه است می پردازم. برای نجات ملت ایران که به عقیده من مقدمه لازم برای نجات دنیا از جنگ سوم جهانی است باید به این اوضاع اسف بار خاتمه داد. این جانب و هم کاران من و رجال دل سوز مملکت

چاره این بیچارگی‌ها را در فراهم آوردن سرمایه کافی و صرف آن در بهبود حال عموم و بالابردن سطح زندگی مردم این مملکت می‌دانند. سرمایه کافی به یکی از دو راه ممکن است فراهم شود: یا به وسیله قرضه از خارج، یا به وسیله عواید ملی که مهم‌ترین آن‌ها عایدات سرشار نفت جنوب است. اما از حیث استقراض خارجی، تاکنون مذاکرات چندین‌ساله ما به نتیجه نرسیده است، و حال آن‌که عایدات نفت مال ما است و احدی نمی‌تواند حق ما را انکار کند. از عواید نفت می‌توانیم تمام احتیاجات خود را رفع کنیم و به فقر و جهل و بیماری میلیون‌ها مردم زحمتکش این مملکت خاتمه دهیم و به علاوه با کوتاه کردن دست شرکت سابق نفت کانون انتریک و فساد و مداخله در امور داخلی ما به هم می‌خورد و ارتباط شرکت سابق نفت که در تمام شئون ما مداخلات ناروا دارند قطع خواهد شد و به این ترتیب استقلال اقتصادی و سیاسی ما تأمین خواهد گردید. به این دلایل است که به عقیده ملّیون ایران اول قدم در باب اصلاحات مملکت رفع شر عمل شرکت سابق نفت است که ملّتی را فدای مطامع خود کرده‌اند. بعضی از آقایان در باب عکس‌العمل بعضی از دول در باب طی شدن صنعت نفت سؤالاتی کرده‌اند.

شما آقایان محترم باید به ملل آزاد جهان اعلام کنید که آخرین سعی ملت ایران برای نجات خود و شرق میانه همین اقدام ملی، یعنی مبارزه با مداخلات بیگانه که بزرگ‌ترین وسیله آن شرکت سابق نفت است می‌باشد و ملت ایران برای تسلط بر اوضاع سیاسی و اقتصادی خود ناچار است تا آخرین نفس برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت؛ یعنی قطع ایادی بیگانگان از ثروت ملی و استقلال سیاسی خود مبارزه کند. ملت ایران امیدوار است در این مبارزه مردانه که شایسته سابقه تاریخی و روح عظیم او است بعون‌الفتاح شود و اگر تقدیر الهی برخلاف این باشد آن روز است که دول غرب باید از شرق میانه حتی از شرق به طور کلی دست بشویند.

مقاومت شرکت سابق نفت، در مقابل حق مسلم ملت ایران، که جز منافع مادی خود چیزی نمی‌بیند، امری طبیعی است ولی، گفت‌وگوهای دول دیگر که داعیه آزادی‌خواهی و طرفداری از حق و عدالت و حمایت از ملل آزاد دارند موجب نهایت تعجب و تأسف است.

آقایان محترم انصاف دهید در چنین موقع خطیری که ملت مظلوم ایران مشغول مبارزه‌ای است که حیات و ممات او بدان بستگی دارد، آیا شایسته است دول آزاد جهان حقوق چنین ملّتی را که حق‌پرستی و آزادمنشی او ثبت تواریخ عالم است از یاد ببرند؟ آیا سزاوار است حق ملّتی که در همین چندسال پیش هنگام جنگ جهانی دوم از خودگذشتگی خود را به دنیای آزاد به ثبوت رسانده از دل و جان تمام هستی خود را برای برانداختن راه و رسم زورگویی و جبر و عنف در اختیار دول آزادی‌خواه عالم گذاشت فراموش شود.

حقیقتاً از اظهار تعجب نمی‌توانم خودداری کنم که چه‌طور دولی که داعیه حمایت ملل آزاد

را دارند قانون ملی شدن صنعت نفت، یعنی قانونی را که ناشی از حق حاکمیت یک ملت است ندیده گرفته به جای این که به شرکت نفت توصیه کنند که در مقابل حق ملت ایران تسلیم شود تصویب قانون ملی شدن صنعتی که حق مسلم ایران است و دول دیگر جهان از جمله دولت مکزیک و خود دولت انگلستان از آن حق در موارد مختلفه استفاده کرده اند امری برخلاف اصول جلوه می دهند و می گویند مجلس ایران تعهد کرده است که فلان قرارداد را به هم نزنند، نه مجلس ایران و نه هیچ مجلسی در دنیا نمی تواند حق قانون گذاری مجالس بعد را محدود کند.

مجلس ایران هیچ وقت تعهد نکرده و نمی تواند هم تعهد کند که حق وضع قوانین و مقرراتی را که به صلاح مملکت خود می داند و جزو حق حاکمیت ملت است از خود سلب کند. ولی البته اگر قانونی وضع کرد که در نتیجه آن به اشخاص اعم از عادی یا اشخاص حقوقی خسارت وارد شد بر طبق سیره تاریخی خود که همیشه طرفدار حق و عدالت بوده جبران آن خسارت خواهد کرد. مخالفین مخصوصاً عمال شرکت سابق نفت می خواهند در دنیا عمل ملی شدن صنعت نفت را به عنوان مصادره اموال غیر، قلمداد کند و حال آن که هرگز دولت ایران در صدد مصادره کردن اموال کسی نبوده است دولت ایران عمل صنعت نفت را می خواهد خود به عهده گیرد و شرکت سابق نفت جز تحویل مال به صاحب مال چاره ای ندارد.

البته اگر شرکت سابق دعاوی حقه ای داشته باشد دولت و ملت ایران هیچ وقت از احقاق حق هیچ کس روگردان نبوده و نخواهند بود و پس از رسیدگی حق هر کس را خواهند پرداخت و به همین دلیل است که در ماده دوم قانون، اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت برای دعاوی احتمالی شرکت ۲۵ درصد عایدات جاری نفت به عنوان وثیقه تعیین گردیده که در بانک مرضی الطرفین به ودیعه گذاشته شود.

دیگر این که ایادی شرکت نفت در دنیا انتشار داده اند که دولت ایران می خواهد مؤسسات نفت را من غیر حق اشغال کند و متخصصین را جواب گوید و ناچار به این ترتیب دستگاه نفت تعطیل یا متوقف خواهد شد. این ادعا کذب محض و محض کذب است؛ زیرا دولت ایران با نهایت حزم و احتیاط به خلع ید شرکت نفت اقدام خواهد کرد و ابداً اقدامی به عمل نخواهد آورد که در صنعت نفت کوچک ترین وقفه ای حاصل شود و نیز در نظر ندارد متخصصین فنی را از شرکت بیرون کند.

بنابراین به هیچ وجه به منافع حیاتی دولتی که از نفت جنوب استفاده می کنند لطمه ای وارد نخواهد آمد و اگر آن ها خار راه مقاصد ملی ما نشوند، همان طور که در ماده هفت قانون پیش بینی شده و من آن ماده را عیناً این جا نقل می کنم.

«ماده ۷. کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر

مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند می‌توانند از این به بعد هم به نرخ عادلانه بین‌المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید، حق تقدم خواهند داشت.»

ملت ایران حقوق آن‌ها را محفوظ خواهد داشت.

یکی دیگر از شبهاتی که برای مشوب کردن ذهن مردم دنیا ایجاد کرده‌اند و مکرر در آن بحث می‌شود، چنان‌که در فوق هم به آن اشاره کردم، راجع به عمل یک جانبه دولت ایران در باب ملی کردن صنعت نفت است.

ملی کردن صنایع حق هر ملتی است و عمل یک جانبه است و غیر از این هم نمی‌تواند باشد. آیا انتظار داشتند که ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت خود از دولت دیگری کسب اجازه کند؟

این عمل چنان‌که بارها گفته شده ناشی از حق حاکمیت ملت ایران است و این حق را هیچ قراردادی نمی‌تواند محدود کند. این موضوع را همه مردم دنیا اذعان دارند، ولی مخالفین مطلب را طور دیگر طرح می‌کنند؛ یعنی به جای این‌که منصفانه حکم کنند که ملت ایران حق دارد صنایعی را که صلاح می‌داند ملی کند، چنان‌که به جای این‌که ملل دیگر هم کرده‌اند موضوع را معکوس جلوه می‌دهند و چنین وانمود می‌کنند که ملت ایران قرارداد شرکت سابق را ملغی کرده است.

قطع نظر از این‌که آن قرارداد اکرایی و غیر نافذ و حتی باطل است، دولت و ملت ایران اصلاً و ابداً در صحت یا بطلان آن قرارداد وارد نشده است که شرکت سابق نفت و دولت انگلیس به عنوان الغای یک جانبه قرارداد قیل و قال در دنیا راه بیندازند.

مجلسین و دولت ایران در باب قرارداد تصمیمی نگرفته‌اند که شرکت سابق نفت بتواند آن را بهانه تقاضای حکمیت قرار دهد. حکمیت در صورتی است که در باب بطلان یا عدم نفوذ قرارداد تصمیمی اتخاذ شده باشد و باز عرض می‌کنم نه مجلس و نه دولت ایران وارد موضوع قرارداد مطلقاً نشده و بنابراین شرکت نفت نمی‌تواند در خصوص قرارداد اظهار بکند.

البته در نتیجه ملی شدن صنعت نفت، شرکت سابق نفت جنوب منحل می‌شود، ولی هر قراردادی اعم از قراردادهای حقوق خصوصی یا عمومی در معرض این نوع قوانین ناشی از اعمال حق حاکمیت ملل هست و هیچ چیز نمی‌تواند از آن جلوگیری کند و در این قبیل موارد که دولت بر طبق حق حاکمیت خود تصمیمی اتخاذ می‌کند تنها کاری که می‌شود کرد این است که از چنان دولتی خسارت بخواهند و دولت ایران رسیدگی به خسارات را خود قانوناً پیش‌بینی کرده است.

خلاصه فعلاً قرارداد مخدوش و باطل ۱۹۳۳ موضوع سخن ما نیست و هر مطلبی که در باب آن بگویند بی‌مورد است.

در خاتمه همان‌طور که از شما آقایان تقاضا کردم بروید اوضاع مردم این مملکت را از نزدیک ببینید. از آزاد مردان جهان نیز دعوت می‌کنم که برای دیدن وضع رقت‌بار مردم ایران به این مملکت بیایند و نتیجه نیم قرن سیاست شوم استعماری شرکت سابق نفت را به رأی‌العیین در این مملکت مشاهده کنند، زیرا از دیدن اوضاع زندگانی این مملکت به علت بغض و عداوت ملت ایران نسبت به شرکت سابق نفت پی خواهند برد و به وضوح خواهند دید که اگر حال بر همین منوال بماند و دولت انگلیس یا هر دولت دیگری به بهانه‌های بی‌اساس بخواهد در ابقای شرکت سابق نفت پافشاری کند ضرر و زیان آن قریباً دامن‌گیر دنیای آزاد خواهد شد و هیچ قدرتی دیگر نخواهد توانست جلو سیل حوادثی را که زمینه بروز آن کاملاً مهیا است بگیرد.

ملل آزاد جهان ملت ایران را در این مبارزه مقدس باید یاری [کنند] زیرا کمک آن‌ها نه فقط از سقوط یکی از کهن‌ترین ملل عالم جلوگیری خواهد کرد بلکه با بقای این ملت ممکن است که سرنوشت عالم عوض شود و تمدن غرب از خطر اضمحلال نجات یابد.